نگاه

پرونده گمشده

سیدعلی موجانی . دیپلمات

● بـه همان میزان کـه بحث و گفت‌وگـو درباره مسـائل سیاسـت خارجی طی دوران مناظره‌های انتخاباتی پژواکی نداشـت، در نخسـتین مصاحبه مطبوعاتی آقای رئیسی، سیاست خارجی حرف اول را زد. با این همه شـاید درباره یکـی از اولویت‌های جمهوری اسلامی ایران و حساس‌ترین مسئله غرب و مرکز آسیا، پرسشی در میان نبود.

● شـک نباید کرد برای دیپلماسـی، در دو دهه اخیر پرونده هسـته‌ای مهم‌ترین موضوع بوده اما یقین است تحولات سرزمین‌های شرقی، دست‌کم در ۲۹۹ سال اخیر همواره اسباب حساسیت و توجه دولت‌های ایران بوده و هست.

● برای نگارنده اهمیت این منطقه وقتی آشـکار شد که مشـغول تصحیح و انتشار کتابی نویافته در قاهره با نام «احوال و حکایات جالب توجه افغانسـتان و کابل و بخارا و خیوه و خوقند» نوشـته میرعبدالکریم بخارایی بود. نویسنده، میرعبدالکریم منشی جان‌به‌دربرده از جمع اعضای هیئتی دیپلماتیک بود که از منطقه به باب‌عالی اعزام شـده بودند و همگان در مسیر جان سپرده و او به سـلامت به مقصد رسیده بود. میزبان، دولت عثمانی از او که از دوردسـت شرق آمده بود، گزارشی از منطقه‌ای می‌طلبد که به آن تعلق داشت و میرعبدالکریم خامه بر صفحه نهاده و یکی از توصیفات نادر در باب ژئوپلیتیک منطقه را به میراث نهاده است.

● سـخن او در دو قرن پیش چنان بود که جغرافیایی میان کشـمیر تا خوارزم و تهران، تختگاه تازه قاجاران تا بدخشـان یک واحد سیاسـی و امنیتی هستند. در نگاه وی که مشـابهش در تاریخ محمدی مسـتند اسـت؛ تختگاه تهران عمق استراتژیک امیر درانی کابل است و امیرزادگان بخارایی و الی آخر.

● روز سه‌شـنبه وقتی پرسشـی را دربـاره آنچه در این منطقه در حال وقوع اسـت، طی مصاحبه نیافتم، سـخت متعجب مانـدم. آن هـم در شـرایطی که همه اذعـان دارند اقتضای ایـران حکم می‌کند برای رهایی گریان از دسـت تحریم‌هـا، باب همکاری‌های درون‌منطقه‌ای را بگشاید. حتی وقتی در پایان، جناب آقای رئیسی فرصت گرفت تا دو نکته بگوید و نخست با جامعه ایرانیان خارج از کشور سخن گفت امید یافتم، جمله بعد افغانستان باشد که نبود.

● افغانستان در این زمان با شتابی بیش از تصور اهل حسـاب و با شیبی ورای درانتظارنشستگان در پس پرده حجاب در مسیر «تباهی هستی» خود راهی شده است و برخلاف باور اصحاب سخن که کمتر آوای فروغلتیدن سـهمناک بهمنی چنین سنگین را می‌شـنوند، هستند چشـمان نگرانی که می‌دانند آنچه در حال وقوع است اثری منطقه‌ای دارد و ای بسا، خواسته و ناخواسته مسیر ریل‌گذاری دیپلماسی جدید را نیز تغییر دهد.

● بدیهی اسـت پرونده گمشده افغانستان از روی میز کوته‌زمانی نزدیک و در آستانه تغییر چهره سیاسی نظام دیوانـی ما یعنـی طی چند هفته دیگر محور اساسـی تحرک دیپلماتیکی خواهد شد که اگر برای آن اندیشیده نشود، عوارض سنگینی را در پی خواهد آورد.

● مصالحـه‌ای نافرجـام، همـراه بـا تعهداتی فاقد ضمانت اجرائی، نایره جنـگ را در جبهه‌های مختلف شـعله‌ور کرده و بخش‌هـا و فرمانداری‌ها یکی پس از دیگری سـقوط می‌کنند و با هر تصرفی بنا و بنیان نظام اداری مستقر در آن ساحه و فرمانداری منفجر می‌شود.

پیام ایـن رویدادها و هدف نخسـت ویرانی دوایر و ادارات دولتی چیست؟

● پاسخ برای ما که تجربه مشابه ویرانی اماکن باستانی و آثار تاریخی از سـوی داعش را داشـتیم آن بود که آن زمان خلافـت آمده بود تا هویت آدمیـان را بزداید و در بسـتر بی‌هویتی تاریخ خود را معنا کند؛ اما این نوبت در افغانستان، امارت بر آن است که قواعد دیوان و دولت را براندازد تا قالب احکام و حدود را برسازد. پس با ویرانی نمادها و اماکن دولت پیام می‌دهد تمام آنچه هسـت از اساس برنمی‌تابد و نظمی و نظامی دیگر را چاره می‌داند.

● ایـن رویکرد در جامعه چند قومـی، چند فرهنگی و چند مذهبی افغانسـتان اسـاس نزاع بوده و هست و ازآنجاکـه اقوام و فرهنگ‌ها و مذاهب در این سـرزمین خاسـتگاهی فرامـرزی دارند، دور نیسـت اثـرات این کشاکش‌های عنیف اسباب منازعه و تقابلی سخت را در دایره‌ای به شعاعی بلند، آن‌گونه که میرعبدالکریم منشی بخارایی دو قرن قبل ترسـیم کرد در پی آورد: از کشمیر و بدخشـان تا بخارا و خوارزم، مرو و مشهد و سرانجام تهران و مولتان.

● اثر وضعی این عارضه منطقه‌ای بر بنیان اسـتقرار دوره جدید نظام دیوانی ایران که با این تحولات پرشتاب و پیچیده در افغانستان مقارن شده قابل ملاحظه خواهد بود. نباید تاریخ را نادیده گرفت، مرور تبعات رویداد تلخ مزارشریف با نخستین سـال دولت وقت و تازه ایران در ۱۳۷۷ خورشیدی یک نشانه است که نباید از نظر افتد.

● شاید کمی دیر به نظر آید اما ضرورت دارد ترتیباتی جدی اندیشـیده شـود و پیش از آنکه بهمن سهمناک فروافتـد، موانعی برافراشـت تا از شـدت آن به میزان مقدور کاست. امید خوانده شود.

برگ سبز و سند کمپانی **موتورسیکلت باجاج پالس** رنگ قرمز مدل ۱۳۹۶ به شماره پلاک ایران ۱۳۵_۵۴۲۶۸ و شماره موتور JLZWGC00673 و شماره شاسی N5PADCJHFHAT00162 به نام **مهدی کوهی میرزاحسنلو** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

گفت‌وگو با دیپلمات سابق و کارشناس بین‌الملل درباره چالش تحریم و شکایت برای رئیس‌جمهور منتخب

باید دید ادعاها را تا چه حد پیگیری می‌کنند

کوروش احمدی: صرف استفاده تبلیغاتی هم می‌تواند از نظر روابط عمومی مشکل‌آفرین باشد

عکس: محمدحسن ظریف‌منش، فارس

روح‌اله نخعی: پیـروز انتخابات جمعه با چالشـی منحصربه‌فرد مواجه اسـت. او از طرفی مشـمول تحریم‌هایی اسـت کـه در پروژه فشـار حداکثری و به‌بهانه ارتبـاط با دفتر رهبری بر شـخص حقیقی او اعمال شـده اسـت و از طرفی، برخـی گروه‌ها و نهادهـای بین‌المللی صحبت‌هایـی از تلاش برای اقدام قضائی علیه او ناظر به سال‌های فعالیتش در قوه قضائیه کرده‌اند. سـؤالی که از پیش از انتخابات در پس ذهن بسـیاری مطرح بوده اسـت، این است که آیا این بحث‌ها و ادعاها در مسـیر کار او به‌عنوان رئیس‌جمهـور چالشـی واقعـی خواهـد آفرید یا موضوع صرفا در حد بحث‌های رسـانه‌ای و سیاسی باقی خواهـد ماند؟ مثلا آیا او برای سـفر احتمالی جهت سـخنرانی در سـازمان ملل یا سفرهای دیگر دچار محدودیت خواهد شـد یـا خیر؟ و به‌طورکلی ایران در نتیجه این مسائل با چه دردسرهایی ممکن اسـت مواجه شـود؟ این سـؤالات را نزد کوروش احمـدی، دیپلمات سـابق و کارشـناس بین‌الملل، بردیـم تـا از منظر حقوقـی و سیاسـی، احتمالات پیش‌رو را بررسی کنیم. احمدی البته احتمال بالایی بـرای تبدیل این بحث‌ها به مشـکل جـدی در نظر نمی‌گیرد؛ درعین‌حال معتقد است پاسخ اصلی این پرسش بستگی به میزان جدیت نهادهای بین‌المللی و دولت‌هایی شـامل دولت آمریـکا در پیگیری این ادعاها و به تبع میزان تمایل آنها به شـکل‌دهی به چنین تقابلی دارد. او توضیحات مفصلی دارد درباره اینکه چنین اقداماتی علیه رئیس دولت یک کشور با چه چالش‌هایی نیز مواجه خواهد بود.

آقای رئیسـی درحال‌حاضر ازسـوی وزارت خزانه‌داری آمریکا در فهرست تحریم هستند. این تحریم چه چالش‌هایی ممکن است برای او ایجاد کند؟ آیا این حقیقت کـه او اکنون رئیس‌جمهور ایران خواهد بود، تأثیری در این مسئله دارد؟

آقـای رئیسـی در آبـان ۹۸ (نوامبـر ۲۰۱۹) در چارچوب فرمان اجرائی ۱۳۸۷۶ ترامپ مورخ ژوئن ۲۰۱۹ تحت تحریم قرار گرفته است. هدف این فرمان اجرائی اختصاصا اعمـال تحریم علیه رهبر انقلاب، بیت ایشـان و مقامات منصوب ازسـوی ایشان بود و هنوز با وجـود روی‌کارآمدن جـو بایدن همچنان اجرا می‌شود. براسـاس این فرمان اجرائی، مصادره امـوال اشـخاص تحت تحریـم در حـوزه قضائی آمریـکا و اعمـال مجازات‌هایـی علیـه «نهادهای مالـی بین‌المللـی» که با اشـخاص تحـت تحریم «تراکنش مالـی عمده‌ای» انجام داده باشـند و نیز امکان منع صدور ویزای سـفر به آمریکا مقرر شـده اسـت. محتوای این فرمان اجرائی به گونه‌ای است که سـمت جدید جناب آقای رئیسی تغییری ایجاد نمی‌کند. البته در عمل، بعید است این تحریم چالش خاصی برای ایشان ایجاد کند، جز اینکه ممکن است صدور ویزای سفر به آمریکا برای ایشان برای شرکت در نشست‌های سـازمان ملل با مشکل مواجه شود. البته آمریکا مطابق «توافق مقر» بین سـازمان ملل و دولـت میزبان ملـزم به صدور ویزا برای شـرکت مقامات کشـورهای عضو در نشسـت‌های سازمان ملل اسـت؛ هرچند در عمل آمریـکا در مواردی با سوءاسـتفاده از یک بنـد مرتبط بـه امنیت ملی در توافق مذکور، از صدور ویزا بـرای برخی از مقامات و دیپلمات‌هـای برخـی کشـورها اسـتنکاف کرده است. به‌عنوان مثال، آقای ظریف در مرداد ۹۸ (۳۱ جولای ۲۰۱۹) و در چارچـوب همین فرمان اجرائی (۱۳۸۷۶) تحریم شـد و دولت آمریکا از صدور ویزا برای ایشـان برای شـرکت در یک نشسـت سازمان ملـل در دی‌ماه ۹۸ خـودداری کـرد. صرف‌نظر از مسئله ویزا، ازآنجاکه اقدام آمریکا در اعمال این‌گونه تحریم‌ها علیه مقامات ایرانـی، اقدامی یک‌جانبه و خارج از چارچوب سـازمان ملل است، الزامی برای دیگر کشـورها ایجاد نمی‌کند؛ کمااینکه آقای ظریف مشـکلی در انجـام وظایفـش و سـفر بـه دیگـر کشـورها، ازجملـه کشـورهای غربی نداشته است. البتـه یک بـار در اسـفند ۹۶ و قبل از اینکه ایشان تحریم شده باشـد، هواپیمای حامل ایشان با مشـکل دریافت سـوخت در فرودگاه مونیخ مواجه شده بود. از طرفی، برخی شواهد حاکی از آن است که لغو فرمان اجرائی ۱۳۸۷۶ یکـی از موانـع نیل به توافق در مذاکرات وین اسـت. درصورتی‌که آمریکا نهایتا با لغو این فرمان موافقت کند، تحریم آقای رئیسی و دیگر مقامات منتفی خواهد شد.

از سـوی دیگر، در مـواردی ادعاهایی علیه آقای رئیسی مطرح شده اسـت. آیا هیچ مبنایی در حقوق بین‌الملل برای تعقیب قضائی مقامات عالی‌رتبه یک کشور در دیگر کشورها وجود دارد؟

به طور کلی، مصونیت شخصی رؤسای کشورها و دولت‌هـا یکـی از تأسـیس‌های مهـم حقـوق بین‌المللی عرفی است و بر این مبنا رؤسا و مقامات عالی‌رتبه شـاغل (و در مواردی پیشین) کشورها از تعقیب قضائی در دادگاه‌های دیگر کشورها مصون هستند؛ اما شمار فزاینده‌ای از کشورها در چند دهه گذشـته نسـبت به آنچه «صلاحیت جهان‌شمول» خوانده می‌شود، تمایل نشان داده و برخی از جرائم حاد را از شـمول قاعده مصونیت رؤسـا و مقامات کشـورها خارج کرده‌انـد. این کشـورها با تصویب قوانیـن داخلی بـه دادگاه‌های خود اجـازه اقدام دربـاره چهار اتهـام؛ یعنی جنایت علیه بشـریت، جنایـت جنگی، نسل‌کشـی و شـکنجه، در صورت وقـوع در خارج از قلمرو ملی و توسـط اتباع دیگر کشـورها را نیز داده‌اند. در این زمینه اتفاقاتی نیز در برخی کشـورها افتاده اسـت؛ ازجمله تلاش برای محاکمه جورج بوش پسـر در کانادا و سـوئیس به خاطر اتهامات علیـه او درباره شـکنجه در زنـدان گوانتانامو یک‌بار موجب لغو سـفر بوش بـه سـوئیس شـد. محتـوای اساسـنامه رم که ازسوی ۱۳۹ کشور امضا و ازسوی ۱۱۸ کشور تصویب شده است و به تشکیل دیـوان کیفـری بین‌المللـی انجامیـد، رونـد شناسـایی «صلاحیـت جهان‌شـمول» را سـرعت بخشـیده و به‌عنوان یکـی از مبانی تدویـن قوانین داخلی در این موارد عمل کرده اسـت. البته باید در نظر داشت که دیـوان کیفـری بین‌المللی به‌هیـچ‌روی نمی‌توانـد وارد دعاوی مربوط به ایران شود؛ چراکه اولا ایران عضو آن نیست و ثانیا ارجاع دعاوی مربوط به کشورهای غیرعضو به این دیوان تنها با تصویب شورای امنیت ممکن اسـت که با توجه به مواضع چین و روسیه تقریبـا درباره ایران غیرممکن اسـت. همچنین این دیوان در جولای ۲۰۰۲ اجرائی شده و قادر به اقدام درباره اتفاقات قبل از این تاریخ نیست. البته مدعیان درباره وقایع سی‌وچند سال قبل ایران، مدعی تداوم موضوع به علت مختومه‌نشـدن پرونده‌ها هستند. در همین زمینه برخی از کشـورها نیـز، دولت‌ها و مقاماتـی را که متهم به ارتکاب اعمال تروریسـتی هستند، از شـمول قاعده مصونیت دولت‌ها مستثنا کرده‌اند.

> **مصونیت شخصی رؤسای کشورها و دولت‌ها یکی از تأسیس‌های مهم حقوق بین‌المللی عرفی است و بر این مبنا رؤسا و مقامات عالی‌رتبه شاغل (و در مواردی پیشین) کشورها از تعقیب قضائی در دادگاه‌های دیگر کشورها مصون هستند؛ اما شمار فزاینده‌ای از کشورها در چند دهه گذشته نسبت‌به آنچه «صلاحیت جهان‌شمول» خوانده می‌شود، تمایل نشان داده و برخی از جرائم حاد را از شمول قاعده مصونیت رؤسا و مقامات کشورها خارج کرده‌اند**

گروه‌هایی مثل عفو بین‌الملل ادعاهایی علیه آقای رئیسـی مطرح کرده و صحبت از شـکایت علیه ایشان می‌کنند و برخی نیز پرونده‌هایی علیه ایشـان در جریان دارند. این پرونده‌ها آیا ممکن است حالا که او در جایگاه ریاست‌جمهوری قرار می‌گیرد، به چالشـی برای او تبدیل شـوند؟ به عبارتی آیـا علیه رئیس دولت یک کشـور چنین اقداماتی می‌تواند مشکل‌آفرینی کند؟

این گروه‌هـا ظاهرا در تلاش‌اند تـا در چارچوب همان اصل «صلاحیـت جهان‌شـمول»، دادگاه‌ها را در کشـورهایی کـه ایـن اصـل را به رسـمیت شناخته‌اند، تشویق به انجام تحقیقات قضائی علیه آقای رئیسـی کنند. البته بعید نیست که این گروه‌ها به‌عنوان شاکی در این کشـورها نیز اقدام کنند. عفو بین‌الملـل و دیده‌بان حقـوق بشـر در بیانیه خود به‌ویژه از کشـورهایی که «صلاحیت جهان‌شمول» را به رسـمیت شناخته‌اند، خواسـته‌اند تا دراین‌باره اقـدام کنند. طبعـا صرف طرح چنیـن ادعاهایی و احتمـال اینکه دادگاه‌هایـی در برخی از کشـورها دسـت به اقدام بزنند، ممکن است محدودیت‌هایی را برای آقای رئیسی ایجاد کند. اگرچه شمار زیادی از کشورها حداقل به‌طور محدود و در موارد معدودی «صلاحیت جهان‌شـمول» را در قوانیـن خود وارد کرده‌اند. طبعا وجود چنین احتمالی می‌تواند رعایت احتیـاط را ایجـاب کنـد و در نتیجه، سـبب برخی محدودیت‌ها، ازجمله محدودیت در سفر شود. البته باید در نظر داشـت که صرف‌نظـر از اینکه اقدامی صورت گیرد، صرف اسـتفاده تبلیغاتـی از این‌گونه ادعاها نیـز می‌توانـد از نقطه نظـر روابط‌عمومی مشکل‌آفرین باشد.

مسـئله دیگر تأثیر این موضـوع بر بقیه بدنه دولت است. آیا تحریم آقای رئیسی یا ادعاهایی که ذکر شـد، درصورتی‌که ادامه پیدا کنند، ممکن است برای اعضای دولت یا دفتر رئیس‌جمهور نیز مشکل ایجاد کنند؟

بعید می‌دانم ادعاهایی که درباره آقای رئیسـی مطرح اسـت، تأثیر مستقیم و مشخصی بر همکاران ایشان در دولت داشته باشد. ضمن اینکه به‌طورکلی اتهامات حقوقی ناظر بر فرد اسـت، در اساسنامه رم نیز اشـخاص حقیقی و نه اشخاص حقوقی، دارای مسـئولیت‌اند. تعقیب قضائی با تحریم که می‌تواند اشـخاص حقوقی را هم هدف قـرار دهد، متفاوت است.

به‌طورکلـی بحث‌های این‌چنینـی آیا واقعا مسئله‌ای هسـتند که در دوران ریاست‌جمهوری آقای رئیسی موضوعیت عینی پیدا کنند یا در حد چالش سیاسی باقی می‌مانند؟

بایـد منتظر ماند و دید. باید دید که برخی نهادها مانند عفو بین‌الملل و دیده‌بان حقوق بشر و... تا چه حـد این ادعاها را پیگیـری خواهند کرد و تا چه حد عملکرد و گرایش دولت‌های غربی مشوق دادگاه‌ها برای اقدام خواهد بود و تا چه حد دادگاه‌ها و قضات مایل به اقدام در این زمینه خواهند بود.

پوشش رسانه‌ها از نشست خبری رئیسی و پاسخ کاخ سفید

واکنش به «خیر»

شرق: «خیر». این پاسخ خلاصه رئیس‌جمهور منتخب در نشست خبری روز دوشـنبه او به سؤالی بسیار مهم بود؛ وقتی خبرنگار رسانه روسی از او درباره احتمال دیدار با رئیس‌جمهور آمریکا پرسـید. این پاسخ قطعی و بدون تبصره و مقدمه و مؤخره در صدر نکاتی بود که توجه رسانه‌های آمریکایـی و نیز توجـه مقامات آمریکا را به خود جلب کرد. این پاسـخ البته در نقطه مقابل پاسـخ‌هایی بود که سلف رئیسی دراین‌باره می‌داد و البتـه تا حدی برخلاف رفتاری که او نشـان داده بود؛ اما می‌توان ادعا کرد پاسخ رئیسی تنها با رفتار و پاسخ‌های حسن روحانی تفاوت نداشت، بلکه به‌طورکلی، با رویکردی که در صحنه دیپلماسـی معمول اسـت، در تناقض بود.

فقط «خیر»

آسوشـیتدپرس در پوشـش خبری خود از پاسخ رئیسی به این سؤال تأکید داشت که مشخص کند این پاسخ در همین حد خلاصه بوده است: «وقتی از او درباره دیدار احتمالی با بایدن سؤال شد، تند و خلاصه پاسخ داد «خیر». او بدون اینکه توضیح بیشـتری دهد، با اخم به روبه‌رو خیره شد». سی‌ان‌ان اشاره می‌کند که حتی در صورت احیای توافق هسته‌ای نیز پاسـخ او برای احتمال دیدار منفی بوده است. صحبت‌های او درباره احتمال مذاکره درباره مسـائل دیگر مانند مسـائل موشکی و منطقه‌ای نیز توجه رسـانه‌هایی مثل سی‌ان‌ان را جلب کرده است؛ اینکه رئیسی از آمریکا خواسته همه تحریم‌ها را بردارد و تأکید کرده است مسئله برنامه موشـکی غیرقابل مذاکره اسـت. او البته هم‌زمان تأکید کرده است که برای ایران دیپلماسی محدود به توافق هسته‌ای نخواهد بود.

ان‌پـی‌آر در گزارش خـود تصریح می‌کنـد که «انتخـاب ابراهیم رئیسـی به ریاسـت‌جمهوری ایران تنها چهره جدیدی را به صحنه سیاسـت ایران نمی‌آورد، بلکه مشـکلات جدیـدی برای دولـت بایدنی ایجاد می‌کند که امیدوار اسـت تنش‌ها با ایران را کاهـش دهد». این رسـانه در گـزارش خود همچنین اشاره کرده است که دولت رئیسی نیز برجام را دنبال خواهد کـرد: «ناظران می‌گویند از نظرگاه سیاسـی این منطقی اسـت، چون اگر تحریم‌هـا کم شـوند و ایران بهبـود اقتصادی داخلی ببیند، سـود خواهد برد». ان‌پی‌آر همچنین اشـاره می‌کند که چرا این مواضع رئیسـی ایده‌های بایدن را به هـم می‌ریزد: «امیدهای دولت بایدن فراتر از این هستند که صرفا توافق هسته‌ای را دوباره آغاز کنند». این رسـانه به خواسـت دولت بایدن برای پیگیری دیگر مسائل اختلافـی با ایران و حرکت به سـمت کاهش تنـش و افزایش تعامل دیپلماتیک اشـاره می‌کند و می‌افزاید اما این اهداف «بعید اسـت که تحت ریاست‌جمهوری رئیسی به دست بیایند».

رویترز نیز در همان بند اول گزارش اشاره می‌کند که رئیسی صریح و مسـتقیم هرگونه دیدار با رئیس‌جمهور آمریکا، جو بایدن را رد می‌کند، «حتی اگر واشـنگتن همه تحریم‌ها را بردارد». سی‌ان‌بی‌سـی نیز این نکته را در صدر گزارش می‌آورد. واشنگتن‌پسـت می‌نویسـد: «پیروزی رئیسی نشانه تغییری است از ریاست‌جمهوری حسن روحانی با گرایش به اصـلاح، رئیس‌جمهور معتدل و عمل‌گرایی کـه خواهان تعامل با غرب بود».

واکنش کاخ سفید: ما هم برنامه‌ای برای دیدار نداشتیم

سـخنگوی کاخ سـفید نیز البته صحبت‌های رئیسـی را بی‌پاسـخ نگذاشت. جن سـاکی همان روز دوشنبه یا دوشنبه‌شب به وقت تهران، سـاعاتی بعد از صحبت‌های رئیسی پاسـخی داد که ظاهرا تنظیم شده بود تا به‌لحاظ صراحت و تندی با موضع رئیسـی برابری کند: «ما پیش از این هم رابطه دیپلماتیکی با ایران نداشـتیم و هیچ برنامه‌ای هم برای دیدار رهبران دو کشـور نداریم». سـاکی پس از این ادامه داد که از نظر ایالات متحده، تصمیم‌گیرنده اصلی و نهایی در ایران رهبر ایران اسـت: «پیش از انتخابات همین بوده اسـت، امروز همین است و احتمالا پس از این هم همین خواهد بود». این البته اولین بار نیسـت که کاخ سـفید بایدن در مواجهه با یک مقام سیاسی، طرف حساب جو بایدن را شخص اول کشور می‌خواند و نه مقامی دیگر. موضع رئیسی به‌این‌ترتیب باعث می‌شـود تیم بایدن یک ادعـا درباره عدم تمایل دولـت جدید ایران به تعامل دیپلماتیک داشته باشد.

قطعیت خلاف قاعده

امـا چنانکه شـرح داده شـد، نکتـه درخورتوجه در ایـن زمینه، قطعیتی است که در پاسخ رئیسی دیده شد. پاسخ این پرسش ازسوی رئیسـی نه توضیحی داشـت، نه تبصره‌ای و نـه مقدمه یا مؤخره‌ای. او به‌این‌ترتیب اساسـا گزینه دیدار را از روی میز برداشـت؛ اما مسئله اینجاسـت که این پاسـخ، بیش از آنکه برای طرف مقابل محدودیتی ایجـاد کنـد، گزینه‌های خود او را محدود می‌کند. اگـر در آینده دور یا نزدیک موقعیتی پیش‌بینی‌نشده رخ دهد که تعامل مستقیم بین ایران و آمریکا به نفع دو طرف یا به نفع ایران باشـد، طرف آمریکایی مانعی برای پذیرش یا ورود به چنین دیداری برای خود ایجاد نکرده است؛ اما رئیسی یا باید حرف خود را نقض کند و به‌این‌ترتیب در صحنه داخلی و خارجـی هزینه‌ای بابت این موضع‌گیری بدهد یـا اینکه از منفعتی ملی صرف‌نظر کند تا این ضربه را در صحنه دیپلماسی دریافت نکند. اگر دسـت تقدیر فرایندی را شـکل دهد که نیاز به این تعامل شـکل دیگری به خـود بگیرد یا برای مثال برای طرف‌های ثالث اهمیت پیدا کند، این رئیسی است که با این موضع‌گیری خود را به‌عنوان علت عدم تعامل تعریف کرده اسـت و حتی این صحبـت او می‌تواند به‌عنوان نشـانه بی‌میلی ایران به اسـتفاده از امکانات دیپلماتیک مورد ارجاع طرف‌های دیگر قرار گیرد.

در هـر صورت، رد مطلق این گزینه یا بـه عبارتی هر گزینه‌ای به این شـکل کلی، در صحنه بین‌المللی کمتر مرسـوم اسـت و دلیل آن نیز، همین بازگذاشـتن دسـت خود برای آینده اسـت. برای همین است که سـلف رئیسی در پاسخ به پرسش‌های این‌چنینی هر بار تأکید می‌کرد که برای منافع ایران حاضر اسـت با هر کسـی دیدار کند و سپس هم‌زمان به چالش‌ها و انتقاداتی از سـوی ایران می‌پرداخت که علت عدم تمایل ایران در آن مقطع را شـرح می‌داد، مثل وقتی که در واکنش به سؤال‌ها دربـاره دیدار با ترامـپ او تأکید می‌کرد تمایلی ندارد تنها یک مراسـم عکس‌برداری با حضـور رئیس‌جمهور آمریکا برگـزار کند. به‌این‌ترتیب گزینه دیدار مسـتقیم حتی در دوران ترامپ نیز هیچ‌وقت به‌طور مطلق و رسمی ازسوی ایران رد نشد و ایران مسئولیت رد آن را نپذیرفت؛ بلکه پیش‌نیازهـای چنین دیداری را از نگاه خود برشـمرد. پیش‌نیازهایی که البته در دوران ترامپ هیچ‌وقت مهیا نمی‌شـدند؛ اما به‌این‌ترتیب انگیزه و دلیل ایران شـرح داده و مسئولیت تنش به سمت طرف دیگر هدایت می‌شد. این رویکرد روحانی نبود، این روال مرسوم در صحنه دیپلماسی بود؛ اما رئیسی تصمیم دیگری گرفت و با این موضع‌گیری و پیامدهایش دوران ریاست‌جمهوری خود را آغاز خواهد کرد.

ادامه از صفحه اول

درس‌های انتخابات ۱۴۰۰

۱- عملکـرد شـورای نگهبـان: انتخابـات اخیر با بررسـی صلاحیـت ثبت‌نام‌کننـدگان در انتخابات شـروع شد و کار شـورای نگهبان در احراز صلاحیت نامزدهای ریاست‌جمهوری آن‌چنان‌که باید بی‌طرفانه و به‌طوردقیـق انجـام نگرفـت. به بـاور بعضی‌ها سـوگیری‌هایی در آن مشاهده شـد و شورای نگهبان می‌توانسـت با سـعه‌صدر بیشتری با مسـئله احراز صلاحیت افراد ثبت‌نام‌شـده برخورد کند و نامزدهای قوی‌تـری را از جناح‌های مختلف انتخاب کند. در آن صورت، افراد قوی‌تری وارد رقابت انتخابات می‌شدند و مسئله عدم مشارکت در انتخابات از طرف گروه‌های دیگر مطرح نمی‌شـد. به نظر می‌رسد این‌بار شورای نگهبان بسـیار سـخت‌تر از دوره‌های قبل بـا احراز صلاحیت نامزدها برخورد کرد.

۲- مناظـرات تلویزیونی: به بـاور بعضی‌ها چون نامزدهای نسبتا قوی در آن وجود نداشتند، مناظره‌ها از کیفیـت لازم برخـوردار نبـود و بخـش مهمی از جامعه را نتوانسـت برای شـرکت در انتخابات اقناع کند. به‌طورمثال بعضی از این افراد برای چندمین بار به عنوان نامزد ریاست‌جمهوری نتوانستند مورد اقبال مردم قرار بگیرند.

۳- گروه عدم مشارکت : در فرایند مناظرات و پایان آن، گروهی از واجدین شـرایط رأی‌دادن، گروه بزرگی را تشـکیل دادند. اسـتدلال نظری این گروه این‌گونه بود؛ نامزدهای ریاسـت‌جمهوری تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند و همگان از یک جناح سیاسی مشخص احـراز صلاحیت شـده‌اند. بنابراین انتخابـات آزاد و رقابتی نبوده و شـرکت در انتخابات تأثیری در نتیجه نخواهد داشت و گویی رئیس‌جمهور را از قبل تعیین کرده‌انـد. البته ناگفته نماند که در تشـکیل این گروه نارضایتی‌های فراوان اقتصادی، معیشتی، سیاسی و... نیز دخالت داشـت. استدلال دیگر آنها نیز این بود که پایین‌بودن میزان مشـارکت مردم، از میزان مقبولیت سیاسی کاسته می‌شـود. اما استدلال این گروه دارای یک منطق سیاسی قوی نبود زیرا با حدود ۶۰ میلیون نفر واجد شـرایط در جامعه ایـران، رأی‌دادن حداقل نصف آنهـا در انتخابات قابل پیش‌بینـی بود. میزان ۵۰درصدی مشارکت، لطمه اساسی نمی‌زند. در عمل نیز مشـارکت ۴۸.۸درصدی مشخص کرد که اندیشه عدم مشارکت، اندیشـه دقیق و مبتنی‌بر منطق قوی سیاسی نبوده است.

۴- گروه رأی‌دهندگان: گروه دوم از واجدین شرایط، معتقد به شرکت در انتخابات بودند. به نظر می‌رسد پایه اسـتدلال این گروه قوی‌تر از گروه قبلی بود. اینان معتقد بودند که رکن اساسـی جمهوریت، انتخابات اسـت. بدون انتخابـات و صنـدوق رأی، جمهوریت معنا پیـدا نمی‌کند. نظام اجتماعی ایـران از انقلاب مشروطیت تاکنون پاسـدار جمهوریت و رکن اساسی آن یعنی صندوق رأی بوده است. نسل حاضر نیز باید پاسدار جمهوریت نظام باشد. استدلال رأی‌ندهندگان این بود که انتخابات آزاد نیسـت و تفاوت معناداری بین نامزدهای ریاست‌جمهوری وجود ندارد. بنابراین شـرایط آزاد، رقابتی و ایدئالی برای انتخابات نیست. البته باید بـه این نکته توجه کرد کـه بین نامزدهای ریاسـت‌جمهوری تفاوت وجود داشـت؛ هرچند این تفاوت‌ها حداکثری نبود، ولی باید روی حداقل‌ها تمرکز کرد و صحنه انتخابات را تـرک نکرد. باید اذعان کرد که رشد و توسـعه سیاسی در هر جامعه‌ای به‌تدریج انجام می‌شود. همین حداقل‌ها در طول زمان تکامل و بلوغ یافته و به حداکثرها تبدیل می‌شود. حتی به نظر می‌رسـید که تفاوت نامزدها در ایران، بیشتر از تفاوت نامزدها در انتخابات ریاسـت‌جمهوری اخیر آمریکا با حدود ۲۰۰ سـال قدمت انتخابات آزاد بود. در آمریکا ۱۵۰ میلیون نفر با شرکت در انتخابات اخیر، نظر خود را به نامزد مخالف خود تحمیل کردند.

۵- نتیجه‌گیری: باید ایمان داشت که در یک نظام جمهوری، برای رسـیدن به دموکراسـی و توسـعه پایـدار راهی غیر از صنـدوق رأی وجود نـدارد. این مسـئله باید نهادینه شود که مشروعیت قدرت تنها از درون صندوق رأی تأمین می‌شـود و راه دیگری برای مشروعیت‌زایی و مقبولیت سیاسی وجود ندارد و این امر را تاریخ و تجارب طولانی کشورهای پیشرفته کاملا اثبات کرده است. بنابراین مشارکت‌نکردن در انتخابات دستاوردی نخواهد داشت.

بدین‌ترتیب در ایـن انتخابات شـورای نگهبان با سـخت‌گیری و تنگ‌کـردن حلقه رقابـت، عملکرد قابل‌قبولـی نداشـت. گـردش نخبـگان در ایـن انتخابـات به‌صـورت کامل انجام نشـد و نامزدهای ریاسـت‌جمهوری در حـد نخبـگان شایسـته جایگزین‌شـدن، نبودنـد. گروهـی کـه در انتخابات شرکت نکردند، نه منطق سیاسـی قوی داشتند و نه دسـتاورد بزرگی کسـب کردند، بلکه میدان رقابت را به‌سادگی به حریف واگذار کردند. برندگان اصلی این انتخابات کسانی بودند که برای پاسداشت، نگهداشت و نهادینه‌کـردن صنـدوق رأی و مشـروعیت‌زایی در انتخابات به‌صورت آگاهانه شـرکت کرده و رأی خود را به صندوق ریختند. هرچند ممکن اسـت این عده به حداقلی از دسـتاوردهای یـک انتخابات آزاد نظر داشـتند. تاریـخ در همه این موارد قضـاوت خواهد کـرد و برنـدگان واقعـی در فرایند تاریخ مشـخص خواهند شـد. همان‌طور که امروزه در مورد عملکرد افراد و نهادهای مختلف در انتخابات پیشـین و تاریخ دوره‌های دور و نزدیک، قضاوت می‌کند. بنابراین برنده و بازنده هر انتخاباتی، بعدها مشخص می‌شود و باید تنهـا از ایـن انتخابات درس گرفـت و در آینده دور و نزدیک از آن استفاده کرد.

* عضو هیئت‌علمی بازنشسته دانشگاه